

کسب و کار سیاه پوتین و شرکا

ولادیمیر بوکوسکی*



The Age of Assassin: The Rise and Rise of Vladimir Putin. Yuri Felshtinsky and Vladimir Pribylorvky. Gibson Square Books, 344 p.

حدود ۲۵ سال پیش، هنگامی که یوری آندروپوف دیرپاترین رئیس کاگ ب به رأس هرم قدرت شوروی دست یافت، بر شور و شوق رسانه‌های غربی پایانی نبود. گفتند که او یک «لیبرال مکتوم» است؛ دوستدار جاز و کنیاک است و می‌تواند به انگلیسی سخن بگوید. همان‌گونه که به تدریج آشکار شد، بسیاری از این داده‌ها نادرست بودند. دلیل این همه شور و شوق

آن هم برای کسی که بیش از پانزده سال شغلی جز آدمکشی نداشت چه بود؟

این ماجرا بار دیگر در پایان سال ۱۹۹۹ نیز تکرار شد، یعنی به هنگام اعلان استعفای یلتسین و انتصاب یک نایب سرهنگ ناشناخته کاگ ب به جای او به نام ولادیمیر پوتین. بار دیگر در سراسر دنیا، چهره‌هایی آشنا بر صفحه تلویزیون پدیدار شدند: او قطعاً دموکراتی متعهد و یک لیبرال است. و درباره پیشینه او در کاگ ب نیز گفتند که چه؟ کاگ ب «الیت جامعه شوروی است». به واقع منطق غربی بود؛ روزگاری اس اس نیز الیت آلمان نازی محسوب می‌شد. در یک جامعه فاسد، الیت است که سرچشمه فساد را تشکیل می‌دهد. چه چیزی را می‌بایست جشن گرفت؟ تنها بعد از بیش از ده سال قتل و اعمال تروریستی گوناگون در دوره حکمروایی کاگ ب، با نتایج اسفبار آن بر آزادی رسانه‌ها و حقوق فردی، تحمیلات مسکو بر همسایگانش و فشار روسیه بر کل اروپا با استفاده از اهرم صادرات گاز است که غربی‌ها به تدریج به تصور واقع‌بینانه‌تری از کل ماجرا می‌رسند.

عصر آدمکش‌ها: ظهور و ظهور ولادیمیر پوتین از زندگی و نظام حکومتی پوتین تصویر شفاف و دقیقی به دست می‌دهد. از آغاز حکمروایی کاگ ب در سالهای دهه ۱۹۵۰ تا معروفترین جنایات آن در مراحل بعدی جزئیاتی ارائه شده که بیشتر به ادعانامه‌ای شباهت دارد که می‌توان برضد پوتین و شرکایش به دیوان دوازی لاهه ارائه کرد. علاوه بر این نادرستی یکی از مهمترین بافته‌های تبلیغاتی کرملین را نیز ثابت می‌کند: این که دموکراسی در روسیه آزموده شد و در این آزمون ناکام شد. در روسیه سالهای دهه ۱۹۹۰ دموکراسی به هیچ پیروزی تعیین‌کننده‌ای دست نیافت. حقیقت دارد که طبقه حاکم

کمونیستی، ایدئولوژی ورشکسته و تزییقات حاصل از آن را کنار گذاشت ولی این طبقه برای لحظه‌ای قدرت را از دست نداد. و اینک که از قیود مارکسیسم - لنینیسم رها شده بود، خمیرمایه اصلی اش آشکار شد: مافیا.

در این کتاب از تمهیدات کاگ ب در برانگیختن اولیگارش بر ضد اولیگارش دیگر، تصویری دقیق و پراطلاع ارائه شده است. کاگ ب مدتها قبل از پیروزی پوتین، که صرفاً زمان آشکار شدن این پیروزی بود، بازی را برده بود. پوتین در ۱۹۹۹ به رفقاییش اظهار داشته بود: «بار دیگر در رأس قدرت قرار گرفته‌ایم و این بار نیز برای همیشه».

فلشتینسکی و پریلوسکی از نظام حاکمیت شرکتی [Corporate Rule] کاگ ب تحلیلی جالب به دست می‌دهند. به نوشته آن دو، «روسیه به نوع جدیدی از جمهوری تبدیل شد؛ یک جمهوری شرکتی. یک شرکت زمام حکومت کشور را در دست گرفت و رئیس منصوب خود را در رأس آن گمارد... از قرن هفدهم به بعد که شرکتهای هند شرقی اروپا به نمایندگی از سهامدارانشان بر بخشهای وسیعی از کشورهای آسیایی حکمروایی می‌کردند، این نخستین بار است که یک شرکت جدید بر وسیعترین حوزه ارضی جهان امروز، یعنی فدراسیون روسیه دست انداخته است.»

البته ابراز این امر که روسیه امروز تحت اداره شرکت کاگ ب است، متضمن نکته جدیدی نیست. اگرچه منظور حکمروایی یک شرکت است و نه یک دیکتاتور یا حکومت دموکراتیک، ولی ضرورتاً از یک شرکت تجاری نیز سخن در میان نیست. کمپانی هند شرقی در مقایسه با کاگ ب متمدن بود. حکمروایی کاگ ب تنها در یک مورد با حکمروایی استعماری تشابه دارد: تا جایی که آن کشور منابع طبیعی مورد نیازشان را تأمین می‌کند، در فکر چیز دیگری نیستند و توجهی به حال و آینده آن ندارند.

حوزه گسترده تحقیق و بررسی نقطه قوت اصلی عصر آدمکشهاست: صدها داده ناشناخته و کم‌شناخته در این بررسی گرد آمده است. یکی از نتایج مهمی که از این بررسی می‌توان گرفت آن است که افرادی چون پوتین اهمیت چندانی ندارند؛ هر که هستند، جَراهایی نسبت به کشورند و عید و عید شرکت متبوع. پوتین‌ها می‌آیند و می‌روند، ولی کاگ ب برقرار است.

* و. بوکوسکی یکی از زندانیان سابق کاگ ب و از ناراضیان معروف دوره شوروی است.

The Guardian Weekly 16.05.08

به نقل از: